

# ذراع حرم مکه

تصحیح سید محمود مرعشی نجفی

## مقدمه

شهر مکه در میان درّه‌ای واقع شده که پیرامون آن را کوههایی نسبتاً بلند احاطه کرده و در آن فقط چند راه خروجی به سوی یمن، دریای سرخ و شام وجود دارد. پایین‌ترین نقطه آن بطحاء نام دارد که کعبه در آنجا قرار گرفته و آن را بیت العتیق و بیت الله الحرام نیز نامیده‌اند.

از برخی روایات چنین برمی‌آید که کعبه را حضرت آدم علیه السلام بنا کرده و مراسم حج نیز از همان دوران آغاز گردیده است. این بنا بعد از حضرت آدم تا زمان حضرت ابراهیم علیه السلام چندان مورد توجه قرار نداشت، تا آنکه خداوند تعالی دستور بنای کعبه را صادر فرمود و آن حضرت به همراهی فرزند خود اسماعیل، آن را از نو بنا نهادند و بیشتر مناسک حج، برگرفته از اعمال آن حضرت و خاندان ایشان بوده است.<sup>۱</sup> ساختمان کعبه در حیات حضرت ابراهیم، بر اساس آنچه در تاریخ آمده، بدین‌گونه بوده است: ارتفاع آن در حدود ۴/۳۲ متر، دیوار شرقی ۲۴ متر، دیوار غربی ۲۳/۱۰ متر، دیوار شمالی ۱۶/۵ متر، دیوار جنوبی ۱۵ متر، بدون سقف و دیوارهایی نیز از سنگ بوده است.

۱. تاریخ الامم والملوک (تاریخ طبری)، ج ۱، صص ۱۵۲-۱۵۷.

در زمان حاکمیت قریش، بر اثر سیل، خانه کعبه آسیب دید و سپس مورد بازسازی قرار گرفت و حجر الأسود، از سوی رسول خدا ﷺ بر جایگاه اصلی خود نهاده شد. در این هنگام، ارتفاع کعبه به ۸/۶۴ متر رسید و سقفی نیز بر آن نهاده شد و آب آن به وسیله ناودانی به حجر اسماعیل فرو می ریخت. مهم ترین رخداد پس از آن تا ظهور اسلام، میلاد حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در داخل خانه کعبه بوده که گزارش آن به تفصیل در منابع تاریخی آمده است.

در سال ۶۴ هجری، عبدالله بن زبیر حکومت مدینه را به عهده گرفت و در جنگ با سپاهیان شام، کعبه ویران گردید و سپس از سوی وی تجدید بنا گردید. در ناحیه حجر اسماعیل بر مساحت مسجد افزوده گردید و برای دیوار کعبه دو در قرار داده شد. پس از آن، در سال ۷۳ هجری توسط حجاج بن یوسف ثقفی، یکی از درهای کعبه مسدود و بنای اضافه ای که از سوی عبدالله بن زبیر ایجاد شده بود، به صورت اولیه خود بازگشت. ولید بن عبدالملک بن مروان، در سال ۹۱ هجری مسجد الحرام را توسعه داد و ناودان طلائی معروف را بر روی کعبه نصب نمود که اکنون نیز موجود است. پس از آن، در زمان عباسیان نیز به وسعت مسجد الحرام افزوده شد.

قابل توجه است که در عصر حاضر، مسجد الحرام از سوی دولت سعودی، توسعه بسیار یافته است که متأسفانه به علت این توسعه، بسیاری از اماکن مقدس تاریخی نیز تخریب و از میان رفته است.

رساله موجود، گزارشی است کوتاه از مساحت کعبه با مقیاس ذرع، از عالمی ناشناخته که طی آن، به مطالب قابل توجهی پرداخته است. این نسخه که در اواخر سده ۱۳ هجری کتابت شده، در گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی پدر بزرگوارم، مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی موجود می باشد. دو نسخه دیگر از این رساله در کتابخانه اصفیه در حیدرآباد دکن هند و کتابخانه انستیتو شرق شناسی ابوریحان بیرونی ازبکستان، در شهر تاشکند نگهداری می شود.<sup>۱</sup>

\* \* \*

بدان - اَیْدک اللّٰه - تعالی - بنیل هذه السعادات والکرامات - که این کلمه ای چند

۱. فهرست نسخه های خطی فارسی انستیتو شرق شناسی ابوریحان بیرونی، فرهنگستان علوم ازبکستان، ج ۱، ص ۶۲؛ فهرست نسخه های خطی فارسی، منزوی، ص ۳۹۸۲.

مستور شده در بیان ذراع حرم مکه معظمه - حرسها الله تعالى عن الآفات والبلیات - و مساحت مسجد الحرام که عبارت است از حرم کعبه معظمه مشرفه - زادهها الله تعالى تعظیماً و تشریفاً.

اما قبل از شروع، بدان که گز در عرف اهل شرع، مقدار بیست و چهار انگشت بر هم چسبیده باشد، غیر نر انگشت، که عدد حروف به عدد حروف «لا اله الا الله، محمد رسول الله» و هر انگشتی را شش جو اعتبار کرده و در پهلوی همدیگر نهاده باشند، چنانکه پشت هر یکی به شکم دیگری پیوسته باشد؛ هر جویی را شش مو [ی] ستبر اعتبار کرده اند.

اما بیت الله که کعبه ظاهر است، بلندی او به سوی آسمان در این زمان بیست و هفت گز است و ربع گز، اما طول زمین از رکن حجرالاسود تا رکن عراقی که جانب شرقی کعبه است، بیست و پنج گز است. همچنین از رکن یمانی<sup>۱</sup> تا رکن شامی که جانب غربی کعبه است، بیست و پنج گز است. و رکن در لغت، برج و کنج را گویند.

اما عرض او از رکن یمانی تا رکن حجرالاسود<sup>۲</sup> که جانب جنوب کعبه است، بیست گز است و همچنین مابین رکن شامی و رکن عراقی که طرف شمال کعبه است، بیست گز است. اما عرض دیوار دو گز است و درازی باب خانه کعبه شش گز و ثلث گز و نصف سدس گز است و عرض باب چهار گز است.

باب بیت الله در دیوار شرقی است و هر دو طبقه در خانه را از چوب ساج ساخته اند و تکه های نقره بر روی آن گرفته اند و به میخ های نقره بر در استوار کرده اند و ساج درختی است در جزایر هندوستان در ساحل دریای عمان که چوب آن را از برای عمارت کشتی ها بر اطراف می برند و «خشب البحر» نیز می گویند.

اما بلندی زیر آستانه در کعبه از روی زمین، چهار گز و ثمن آن است. دیگر ناودان کعبه که آن را «میزاب الرحمة»<sup>۳</sup> می گویند، در میان رکن عراقی<sup>۴</sup> و رکن

۱. از جمله رکن های چهارگانه کعبه است که در جنوب آن واقع شده و از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۲. از جمله رکن های چهارگانه کعبه است که در سمت شرقی آن واقع شده و آن گونه که نقل شده - حضرت رسول ﷺ آن را استلام نموده، می بوسیدند و صورت مبارک خود را بر آن می نهادند: «کان رسول الله ﷺ لا یستلم الا الرکن الاسود والیمانی ثم یقبلهما ویضع خده علیهما»؛ الکافی: ۴/۴۰۸.

۳. میزاب الرحمة، همان ناودان طلاست. این ناودان در عهد ولید بن عبد الملک بن مروان بر روی خانه کعبه نصب شد.

۴. از جمله رکن های چهارگانه کعبه که در سمت شمال کعبه قرار گرفته است.

شامی،<sup>۱</sup> حجر اسماعیل<sup>۲</sup> در زیر آن است و حجر به تفصیل بیان خواهد شد. و اما عرض ملتزم چهار گز است و ملتزم مابین در کعبه و حجر الاسود است و ملتزم را برای آن ملتزم گویند که مردم او را التزام کرده‌اند از برای دعا؛ یعنی بعد از فراغ طواف کعبه مشرفه، آنجا دست به دیوار کعبه نهاده‌اند و دعا و تضرع و زاری می‌کنند و طلب آمرزش می‌خواهند از حق - سبحانه و تعالی - زیرا که یکی از آن جاهایی که حدیث نبوی حضرت ﷺ در شأن آن وارد شد که مکانی که اجابت دعا است، ملتزم است.<sup>۳</sup>

اما بلندی موضع حجر الاسود از روی زمین، دو گز است و نصف گز و سدس گز و قدری زیاده. و عرض آن مقدار از وی که دیده می‌شود، یک و جب و چهار انگشت مضمومه است؛ یعنی انگشتان بر هم چسبیده.

اما عرض مستجار چهار گز است و مستجار مذکور، مابین رکن یمانی و رکن شامی، دری است که اکنون مسدود است و در آن در را اهل قریش در زمان جاهلیت به سنگ برآورده‌اند، آن هنگام که تعمیر می‌کرده‌اند. بعد از آن عبد الله بن زبیر رضی الله عنه در زمان عمارت خود آن در را گشاده است. بعد از آن حجّاج آن در را به سنگ برآورده و از آن تاریخ تا امروز مسدود مانده و این مستجار در مقابل ملتزم واقع شده و مستجار را از برای آن مستجار می‌گویند که آنجا نیز دست و سینه خود را به دیوار کعبه نهاده، از گناهان مغفرت می‌طلبند و دعای آمرزش می‌کنند و هذا استجار من الذنوب می‌گویند. اما عرض باب مسدود سه گز است و نصف گز و طول آن پنج گز، قدری زیاده.<sup>۴</sup>

و اما حجر - كسر الحاء المهملة و سکون الجیم - که آن را نیز حطیم نامند، اصل آن

۱. از جمله رکن‌های چهارگانه کعبه که در سمت غربی کعبه قرار گرفته است.

۲. در بخش شمالی کعبه، دیواری با ارتفاع ۱/۵ متر وجود دارد که قوسی شکل بوده و حجر اسماعیل نامیده می‌شود. این مکان محل زندگی حضرت اسماعیل و مادرش هاجر بوده و در همین مکان نیز دفن شده‌اند: «الحجر بیت اسماعیل و فیه قبر هاجر و قبر اسماعیل»؛ الکافی: ۲۱۰/۴. حجر اسماعیل در زمان مهدی و هارون عباسی تعمیر شده است.

۳. الکافی: ۴۱۰/۴.

۴. در منابع چنین آمده که فاطمه بنت اسد، مادر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از همین قسمت وارد کعبه شده است.

محوطه‌ای است مدور، مانند نصف دایره، جانب شمال کعبه واقع شده، زمین آن را فرش منقش کرده‌اند به سنگ‌های مرمر سفید و سیاه و سرخ و سبز و زرد و حد آن از دیوار کعبه تا دیوار دایره و این حجر هفده گز و ثلث گز است و مقدار هفت گز یا شش گز و یک و جب از زمین خانه کعبه است و باقی جای گوسفندان حضرت اسماعیل بوده - علی نبینا و آله و علیه السّلام - بعد از آن در حجر داخل کرده‌اند.

و حدّ دیگر از رکن عراقی است تا رکن شامی و ناودان بام کعبه که «میزاب الرحمة» می‌گویند و در میان رکن عراقی و رکن شامی واقع شده، مشرف بر زمین حجر. و این حجر دو در دارد؛ یکی نزدیک رکن عراقی و دیگر نزدیک رکن شامی و مابین دو در حجر، بیست گز است و بلندی دیوار حجر، دو گز است و عرض دیوار حجر نیز دو گز است و از جانب درون سی و هشت گز است و از جانب بیرون چهل گز و ربع گز است و در زمان طواف کردن حجر را داخل می‌دارند و از بیرون حجر طواف می‌کنند، از بهر آنکه در حدیث واقع شده «الحجر من البیت»<sup>۱</sup>.

پس یک طواف از طواف هفت‌گانه، یعنی یک بار دور خانه کعبه با حطیم گشتن، صد و بیست گز است و نصف گز. و اما حفره (که پیوسته به دیوار شرقی کعبه است، نزدیک به زیر در آستانه کعبه که در این ایام به مقام جبرئیل علیه السلام مشهور است و به قول دیگر این حفره جایی است که حضرت ابراهیم - علی نبینا و علیه السّلام - برای بنای کعبه گل تر می‌کردند به این جهت اهل مکه آن را جای معجنه می‌گویند) و درازی آن هشت شبر و هفت انگشت مضمومه است و عرض آن پنج پلشک و سه انگشت است به جانب کعبه و عمق آن یک و جب و چهار انگشت است و حفره را مفاکیر گویند. منقول است از شیخ محیی الدین طبری که از کبار محدّثین است و از شیخ عزّ الدین بن عبد السّلام که این حفره جایی است که جبرئیل علیه السلام با پیغمبر صلی الله علیه و آله پنج وقت نماز را دو روز پی در پی در این محل گذارده‌اند، در زمانی که حق - سبحانه و تعالی - نماز را بر این امت مرحومه<sup>۲</sup> فرض گردانیده است.

اما بدان که حرم محترم و بیت الله المعظم اندک میل دارد از جهات اربع، چنانکه حجر الاسود مقابل بین المشرقین واقع شده و ستاره قطب در برابر رکن عراقی مرئی

۱. بحار الانوار: ۳۴۷/۹۶.

۲. اصطلاحی است که بر مسلمانان اطلاق می‌شود.

می شود. علی هذا القیاس اطراف دیگر. و این منقوله در کتب هیأت و در بعض مناسک نیز مذکور است.

اما مقام حضرت ابراهیم - علی نبینا وعلیه الصلوة والسلام. نقل کرده اند که شیخ عزالدین بن جماعة که از اجله علمای شافعیه است که در آن ایام مجاور مکه بوده، در تاریخ هفتصد و پنجاه و سه بود که حفظ کردم و بنمودم. مقام مذکور را بلندی از روی زمین، یک گز بود و به سه قیراط کم به گز قماش مصر (و گز قماش مصر بیست و چهار قیراط است، یعنی بیست و چهار انگشت، چنانچه در اول رساله مذکور است) و بالای سنگ مربع است از طرف سه حصه گز و موضع قدمین مبارک حضرت ابراهیم - علی نبینا وعلیه السلام - را نقره گرفته اند و پستی موضع قدمین از روی نقره هفت قیراط و نصف قیراط است؛ یعنی ثلث گز است و نیم قیراط کم (و بیست و چهار قیراط یک گز است چنانکه بیست و چهار انگشت یک گز است). و مقام در این ایام در درون صندوقی است که بلندی آن یک قد آدمی است؛ چهار جانب صندوق مذکور در مابین استوار است و دری دارد از پنجره آهنین که می بندند و می گشایند و پرده اطللس سیاه بر روی صندوق کشیده اند و هر سال مثل خانه کعبه نیز نو می کنند.

اما بدان که مقام، عبارت از آن سنگی است که حضرت ابراهیم - علی نبینا وعلیه السلام - بر بالای آن ایستاده اند بعد از اتمام کعبه مشرفه، خلق را ندا کرده اند؛ یعنی به حج خوانده اند، چنانکه حق - سبحانه و تعالی - در کلام مجید خود می فرماید: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا»<sup>۱</sup> و قول دیگر آن است که چون حضرت خلیل جلیل مأمور گشته اند به بنا کردن کعبه مشرفه و بعد از آن دیوارها بلند شده و دست بر آن نمی رسیده، ایشان سنگ و گل بر می گرفتند و بر بالای مقام مذکور می ایستاده اند و آن سنگ بر بالا به قدرت حق - جل و علا - بلند می شده است تا ایشان گل و سنگ را بر بالای دیوار نهاده، بلندتر بنا می کرده اند و باز آن سنگ به صورت اصلی خود پست می شده، هرگاه که میل فروز آمدن می کردند، حضرت ایشان در زمین قرار می گرفته. واللہ أعلم بحقائق الأمور وهو علیم بذات الصدور. اثر قدمین مبارک ایشان در سنگ مذکور ظاهر است، چنانکه اثر پای برهنه در گل ظاهر می شود.

هر چهار جانب صندوق مقام، چهار ستون نهاده‌اند و چهار شبّاک هفت جوش بر چهار جانب ستونها محکم کرده‌اند و شبّاک، پنجره را گویند و گنبد کوچکی از چوب بر بالای ستونها ترتیب کرده‌اند و درون آن را به طلا و لاجورد منقش و متصل کرده‌اند و در غایت، زیب و زینت داده‌اند و بالای آن را به تنگهای سرب، پهلوی یکدیگر چسبانیده، به میخ‌های آهنین، محکم کرده‌اند و در عقب شبّاک، ایوانی ساخته‌اند متصل به گنبد. بالای مقام دو ستون در دو جانب نهاده‌اند و سقف آن را نیز منقش کرده‌اند و این ایوان را خلف مقام می‌گویند و سنت این است که دو رکعت [نماز] واجب طواف را در خلف مقام ابراهیم ادا کنند، مگر آنکه کثرت باشد؛ آنگاه در حجر گذارند و اگر آنجا نیز کثرت خلق باشد، در هر جا که باشد از زمین مسجد یا در حرم جایز است بگذارد و می‌باید در این حالت، واجب نیت کنند و اگر حنفی مذهب باشد یا مطلق یعنی نماز گوید و قید واجب و سنت نکند.

و طول مصلی که در زیر ایوان است، پنج گز و سدس گز است و از صندوق شبّاک مقام در اندرون بیست گز، تا شادروان کعبه بیست گز و ثلثان و ثمن گز است و شادروان پشتیبان دیوار را گویند و حجر الاسود تا مقام ابراهیم - علی نبینا و علیه السلام - بیست و هفت گز است.

بدان که چاه زمزم<sup>۱</sup> را چهل و یک اسم است و در بعضی روایات سی و هشت اسم است بر این تفصیل: بزّه، بازّه، مصوبه، مضمونه، زمزم، برکه، سیّده، نافع، عون، سیری، ساقیه، معینه، عصیمه، سالمه، میمونه، مبارکه، کافیه، عافیه، مفیده، مفذیه، قدام، حرمیه، طاهره، مرویه، مونسه، طعام، طعم، شفاء سقم، حضیره العباس، هزمت جبرئیل، اسقاء اسماعیل، هزمت جبرئیل بتقدیم المیم علی الزای، زمام، مکنم، شباعة القبائل، شراب الابرار، قره النمل، نقره الغراب، هزمت اسماعیل و طیّبه.

۱. این چاه، از آثار باقی مانده و یادآور داستان زندگی حضرت ابراهیم، اسماعیل و هاجر است. در روایات آمده که خداوند متعال این چاه را برای حفظ جان حضرت اسماعیل و هاجر پدید آورده و از نشانه‌های الهی است.

زمانی این چاه آب مکه را تأمین می‌کرد و مردم برای این چاه تقدّس قائل بودند و سقایت حاج، منصبی بود که در اوایل ظهور اسلام، به دست عبّاس بن عبد المطلب، عموی حضرت ختمی مرتبت ﷺ بوده است. مدّتی بر روی آن قبه‌ای ساخته شده بود، لیکن در عهد دولت سعودی، به هنگام توسعه حرم، تخریب گردید و آب آن به وسیله لوله به بیرون از مسجد انتقال داده شد.

اما چاه زمزم از بالا تا پایین عمق او شصت و هفت است در چهار، و عرض سر چاه چهار گز است. از کعبه تا چاه زمزم سی و سه گز است و مابین مقام و چاه زمزم، بیست و یک گز است. اما عرض زمین مطاف بر دور کعبه معظمه به سنگ، فرش کرده اند: از طرف شرقی از پهلوی شبّاک مقام تا شادروان کعبه که مقابل او است، چهل و چهار قدم است؛ از جانب شمال از کنار مطاف تا دیوار حجر که محاذی آن است، چهل و هشت قدم است؛ از جانب غربی از کنار مطاف تا شادروان کعبه که در برابر او است شصت و پنج قدم است و این ابعاد جوانب است؛ و از طرف جنوبی و از کنار مطاف تا شادروان آنجا زیر حجر الاسود است و چهل و هفت قدم است تا مقامات ائمه اربعه علیهم السلام [که] در این ایام جای نماز گزاردن مقلدان ایشان است. بدان که مقام شافعی - رحمة الله علیه - در طرف شرقی خانه کعبه مقابل وجه کعبه در عقیب مقام ابراهیم - علی نبینا وعلیه السلام - و مقام حنفی علیهم السلام طرف شمال خانه کعبه مقابل میزاب الرحمة و این قبله اهل مدینه و قدس و شام است و مقام مالک - رحمة الله علیه - در طرف غربی خانه کعبه است مقابل ظهر کعبه و مقام حنبل - رحمة الله علیه - در جانب جنوبی کعبه است اندک مایل به جنوب شرقی مقابل حجر الاسود است و هر چهار قدم مذکور بیرون مطاف است و مطاف جای طواف را گویند.

اما در عقب خانه کعبه که چاه زمزم است و روی گنبد است که قبة الفرّاشین گویند، زیرا که فراشان شمعها و گلیمها و مایحتاج حرم را آنجا می نهند. در عقب قبة الفرّاشین گنبد است که سقایة الحاج است؛ آن را ابتدا حضرت عباس علیه السلام بنا کرده است تا که حاجیان از آنجا آب زمزم بیاشامند.

### کیفیت مسجد الحرام

بدان که در اول، زمین مسطح بود. در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله و در زمان خلافت ابوبکر رضی الله عنه، از هیچ طرف دیواری نداشت که حرم را احاطه بود و از میان خانه ها راه ها بود که مردم از هر طرف به حرم می آمدند و می رفتند. چون زمان خلافت عمر رضی الله عنه مسلمانان بسیار شدند، ایشان خانه هایی که متصل حرم است [را] خریدند و در حرم داخل کردند و بر دور مسجد دیواری بر آوردند، کمتر از قامت آدمی و چراغ مسجد را بر سر دیوار می نهادند. اولین کسی که بر دور مسجد الحرام دیواری بنا کرد عمر رضی الله عنه بود. بعد از آن



چون زمان عثمان رضی الله عنه بود، ایشان نیز خانه‌ها را خریدند و در سال بیست و ششم از هجرت در حرم خانه‌ها زیاده کردند و حرم را بسیار وسیع کردند و برگرداگرد مسجد رواق‌ها بنا کردند و مسقف گردانیدند.

بعد عبد الله بن زبیر در تاریخ شصت و چهار از هجرت تا سال شصت و هفت که مدت عمارت آن بسیار بود، در مسجد الحرام افزود و بسیار خانه‌ها خرید (از جمله خانه‌ها که خرید و بعضی دراز... است و آن بعضی را به هفت هزار دینار خرید که عبارت است از هفت هزار مثقال زر) داخل کرد.

بعد از آن عبد الملک بن مروان که از خلفای بنی امیه بود مسجد را عمارت کرد ولیکن چیزی زیاده نکرد، اما دیواره مسجد را بلند کرد و سقف رواق‌ها را از چوب ساج پوشانیده و منقش و مزین کردند و قنادیل را از سقف مسجد درآویخت. بعد ولید بن عبد الملک المذکور اندکی در جانب حرم افزود. بعضی ستونها را از رخام فرمود.

پس از آن، چون سلطنت و خلافت از بنی امیه به آل عباس انتقال نمود، منصور بن جعفر که یکی از خلفای عباسی بود، در طرف شمال حرم قدری زیاده کرد و عمارت فرمود و ستونها رخام ترتیب نمود و بعد از او مهدی بن منصور مذکور دو بار حرم را زیاده کرد؛ یکی در تاریخ صد و شصت از هجرت و یکی دیگر صد و شصت و هفت. و در تاریخ صد و شصت و نه مهدی مذکور وفات شد و این مهدی پدر هارون الرشید است و عمارت او تا امروز قرار گرفت. و نقل کرده‌اند که کعبه مشرفه در یک جانب مسجد بود. مهدی مذکور عمارت کرده‌اند و از دور حرم خانه‌ها خریدند و در حرم درآوردند، به نوعی ساخت، که کعبه در میان مسجد شد. این چنین ذکر کرده‌اند، امام نووی که از کبار علمای شافعی است و در مناسک و در بحر العمیق فرموده که زیاده مهدی آن است که امروز مشهور به باب دار الندوة است در پس مقام حنفی، و منقول است که مهدی حج کرد و در سال صد و شصت از هجرت فرمود که تا ستونهای حرم را از سنگ رخام کنند. پس به فرموده او در دیار صعید که از جمله بلاد مصر است ستونها از سنگ رخام تراشیده‌اند و از آنجا به کشتی‌ها تا به جدّه در آورده‌اند، به ارابه‌ها به مکه آورده‌اند و در زیر رواق‌های حرم برپا کردند و آن ستونها همچنان باقی است تا امروز، مگر جانب غربی حرم که سقف حرم سوخته و آن ستونها که در زیر آن بود از حرارت

آتش پاره - پاره شده و به جای آن از سنگ کوه‌های مکه ستونها ساخته‌اند و نصب به جای آن کرده.

و ایضاً در بحر العمیق فی فضائل بیت العتیق، از امام محبّ الدین طبری، منقول است که روایت کرده‌اند از ابو هریره: هر آینه به درستی که یافتیم در کتاب خداوند - عزّوجلّ - که حدّ مسجد الحرام تا مسعی [است] و مسعی<sup>۱</sup> مابین صفا و مروه را گویند و از عبد الله بن عمر و بن عاص منقول است که گفت اساس مسجد الحرام را ابراهیم رضی الله عنه بنا نهاده از باغ مروه است تا مسعی. گویند مهدی مسجد را بر مسعی بنا کرده. از عطا بن ابی ریاح منقول است که زمین حرم تمام مسجد الحرام است؛ اما طول مسجد الحرام در این ایام از باب بنی شیبه که مشهور به باب السّلام که در کنج دیوار شرقی مسجد [است] تا باب عمر که در کنج دیوار غربی است، چهار صد و چهار گز است و این دویست و هشتاد گام می‌شود. اما عرض مسجد از باب بنی مخروب که مشهور به باب الصفا است و در دیوار جنوبی مسجد است تا دیوار اصل مسجد که در پس مقام حنفی است سیصد و چهار گز است و این دویست و هشتاد گام می‌شود.

اما عدد درهای مسجد الحرام. بدان که در اطراف پانزده در است و هر دری مشتمل بر چند مدخل؛ چنانکه مداخل باب‌ها سی و هشت در است؛ چنانکه هر دری مشتمل بر دو مدخل یا سه مدخل کم یا بیش. بدین ترتیب مشهور است و اسامی ابواب به تفصیل بیان کرده می‌شود - ان شاء الله تعالی.

اما جانب دیوار شرقی چهار در است:

اول باب بنی شیبه<sup>۲</sup> که در این ایام باب السّلام مشهور است، در نزد اهل مکه به

۱. مسعی، محلی است که حجّاج باید فاصله بین دو کوه صفا و مروه را به حالت هروله طی کنند. صفا و مروه، دو کوه کوچک، در دامنه کوه ابو قبیس و کوه قیعال می‌باشند. کوه صفا در قسمت جنوبی و کوه مروه، در سمت شرقی مسجد الحرام قرار دارند. مسعی، به صورت طولی، به دو قسمت رفت و برگشت تقسیم شده، طول آن ۳۹۴/۵ متر و عرض آن ۲۰ متر و ارتفاع طبقه اول ۱۲ و طبقه فوقانی ۹ متر می‌باشد. در فضیلت این مکان در صفحه ۴۳۴ از جلد چهارم کتاب الکافی، از امام صادق رضی الله عنه نقل شده که: «ما من بقعة احبّ الی الله من المسعی لانه یدلّ فیها کلّ جبار»؛ هیچ بقعه‌ای بر روی زمین، دوست‌داشتنی‌تر از مسعی نیست، زیرا هر زورگویی در آن جا تحقیر می‌شود.

۲. این در یکی از درهای معتبر و مهم مسجد الحرام است که پس از سقوط هبل از بام کعبه، آن را در کنار این در دفن کردند. بنابراین رفت و آمد موخّدان در اینجا به معنای کوبیدن شرک و بت پرستی است و از این رو استحباب دارد. من لا یحضره الفقیه: ۲/۲۳۸.

باب عبد الشمس بن مشتاق مشهور بوده. در جاهلیت امام ازرقی در تاریخ مکه چنان آورده که خلفا از این در به حرم درون در می آمده‌اند؛ بدین سبب به باب السلام اشتهاار یافته و این باب سه مدخل دارد.

دوم باب النبی ﷺ که اکنون باب جنایز می‌گویند و باب النساء نیز می‌گویند و باب الحریر نیز اشتهاار یافته. باب النبی بهر آن گفتند که پیغمبر ﷺ از این در به خانه خدیجه - رضی الله عنها - می‌رفتند و این باب دو مدخل دارد.

سوم باب عباس بن عبد المطلب است و در پیش این باب، از جانب برون او دو میل سبز است که علامت مسعی است و این باب سه مدخل دارد.

چهارم: باب علی علیه السلام و این باب را نیز سه مدخل است.

اما دیوار جانب جنوبی هفت در است:

اول بنی عابد که در این زمان باب الاذان مشهور است و این باب را دو مدخل است.

دوم بنی سفیان بن اسد که اکنون مشهور به باب بغله است و صاحب النهایة باب الحیاطین گویند و این باب را نیز دو مدخل است.

سوم بنی مخذوم که در این زمان به باب الصفا مشهور است و این باب را پنج مدخل است.

چهارم باب اجیاد الصغیر (وجه تسمیة اجیاد الصغیر و کبیر عن قریب مذکور خواهد شد. إن شاء الله تعالی) در این ایام باب جهاد می‌نامند و این باب دو مدخل دارد.

پنجم باب مجاهده که امروز باب الرحمة می‌خوانند و باب القنطة نیز می‌خوانند. امام ازرقی<sup>۱</sup> در تاریخ خود چنین آورده است و این باب نیز دو مدخل دارد.

ششم مدرسه شریف حسن بن عجلان است که یکی از سلاطین مکه بود و جد اعلاى شریف حسن مکه است. و این در را در قدیم باب بنی تمیمی گفتندی و صاحب النهایة باب علافین گفته است و این باب نیز دو مدخل دارد.

هفتم باب ام هانی بنت ایطالب است - رضی الله عنها - و این باب نزدیک به خانه‌های بنی شمس بوده و به نام ایشان خواندند در جاهلیت و باب ملاعیه نیز

گفتندی و باب العرج نیز گفته شده است به سبب آنکه امام قشیری در تعریف مسجد الحرام این باب را به خط خود باب العرج نوشته و صاحب النهاية باب ابی جهل نامیده است. واللّه أعلم.

اما جانب دیوار غربی سه در است:

اول باب ضرورة است و این باب قریب به اجیاد کبیر است و اجیاد کبیر و اجیاد صغیر دو محلّه است از محلّه های مکه و وجه تسمیه اجیاد کبیر را دو نوع گفته اند: یکی آنکه اسبان گرانبهای اعلا ترتیب می کرده اند (در این صورت جمع جید باشد به فتح جیم و تشدید یا) دیگر آنکه گویند در یک روز صد کس را در آنجا سر از تن جدا کرده اند (بر این تقدیر جمع جید به کسر جیم و سکون یا). و بعضی گویند اجیاد نام کوهی است که در انتهای این محلّه است یا اسم وادی است که از زیر کوه است واللّه أعلم. و این در را باب ضرورة برای آن گویند که شخصی بود نام او وکیع بن سلمه و او حاکم مکه معظمه بود و تعمیر و تزئین حرم شریف به او مفوض بوده و برای [او] تختی بزرگ از چوب بر صورت قمری ساخته بوده اند نزدیک به این باب که گاه - گاه بهر حکومت آنجا می نشستند و او خادمی آنجا تعلیم کرده بود از برای محافظت آن تخت که نام او ضرورة بوده و این در به نام او مشهور شده. در [این] ایام غیروره می گویند به غین و این در را باب حکیم بن حرام و بنی زبیر بن العوام نیز گفتندی، اما به باب حرامیه بیشتر اشتهاار داشته، زیرا که راه درآمدن ایشان به حرم این در بوده و این باب را دو مدخل است.

دوم باب ابراهیم. ابو عبیده بکری گفته است ابراهیمی که این باب را به او نسبت می کنند خیاطی بوده که آنجا می نشستند و این باب به نام او اشتهاار یافته و شیخ سعد الدین اسفراینی در کتاب زبدة الاعمال نسبت او را چنین ذکر کرده که ابراهیم الاصفهانی و بعضی این باب را منسوب می کنند به حضرت ابراهیم خلیل - علی نبینا وعلیه السلام - و اما ازرقی در تاریخ مکه آورده که این وجهی ندارد که همین باب را به حضرت ابراهیم علیه السلام منسوب دارند به خلاف سایر ابواب - واللّه تعالی أعلم. و در تاریخ امام ازرقی باب الخیاطین ذکر کرده است و این سابقاً دو مدخل دارد؛ یکی بزرگ و یکی کوچک، اما در این ایام یک در است که از جمیع ابواب بزرگ تر است.

سوم باب بنی سهم است که به باب عمره مشهور است و این باب را یک مدخل است. اما جانب دیوار شمالی پنج در است: اول باب اسد است که سابقاً مشهور به باب عمرو بن العاص بوده و این باب یک مدخل دارد.

دوم باب الاجلان است و این باب را نیز یک مدخل کوچک است.

سوم باب الندوة است و این باب را نیز یک مدخل کوچک است.

چهارم باب زیاده دار الندوة است و امام ازرقی در تاریخ خود باب دار شیبة بن عثمان گفته است و این باب قریب به سویقه است که اعظم محله‌های شهر مکه است و این باب را دو مدخل است.

پنجم باب الدریبه است و این باب را یک مدخل صغیر که کوچک‌ترین همه درهاست.

اما عدد ستون‌ها که در زیر تاق‌ها است بر چهار طرف حرم، غیر ستون‌های باب زیاده و باب ابراهیم، چهار صد و شصت و نه ستون است و در هر طرفی سه قطار است و ستون‌های زیاده باب ابراهیم است [که] هفت عدد است و ستون‌های باب زیاده دار الندوة شصت و شش عدد است که مجموع آن پانصد و سی و پنج عدد می‌شود. اما ستون‌هایی که بر گرد مطاف از جهت آویختن قنادیل برپا کرده‌اند، سی و سه عدد است و سابقاً هم از سنگ مرمر سفید بوده، اما در عهد دولت سلطان سلیمان - غفره الله له - و به امر سلطان از هفت جوش ستون‌ها ریخته‌اند و به جای ستون‌های اولین نهاده‌اند، غیر از دو ستون که در دو جانب مقام حضرت ابراهیم<sup>۱</sup> - علی نبینا وعلیه السلام - است، [که] از سنگ اولین است و سی و یک عدد دیگر از هفت جوش.

۱. مقام حضرت ابراهیم، یکی از نقاط مقدس مسجد الحرام و از شعائر الهی خوانده شده و خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «واتخذوا مقام ابراهیم مصلی» (بقره، ۱۲۵).

انگونه که در متن آمده است، مقام، سنگی است که حضرت ابراهیم بر روی آن ایستاده و مردم را به حج بیت الله الحرام فرامی‌خوانده که اثر پای آن حضرت، بر روی آن دیده می‌شود. این سنگ به شکل تقریبی مربع، با طول و عرض ۴۰ سانتیمتر و ارتفاع تقریبی ۵۰ سانتیمتر، از زمان مهدی عباسی با طلا پوشانیده و در محفظه‌ای قرار گرفته تا آسیب نبیند. در سابق بر روی این محل، قبه‌ای بزرگ از آجر، سنگ و چوب قرار گرفته بود که پیرامون آن را با آیات قرآن تزیین کرده بودند، لیکن به سبب اشغال فضای زیاد، در سال ۱۳۸۵ ه. ق به دستور دولت سعودی تخریب و به جای آن ضریحی کوچک بر آن قرار دادند و به همین علت به محل طواف، نزدیک به پنج متر افزوده گردید.

و چهار مدرسه و منار نیز به امر سلطان مرحوم، مابین باب الدریبه و باب زیاده دار الندوة راست کردند و بعضی گویند مادر سلطان فرموده و به نام سلطان کرده - واللّٰه أعلم. اما چون سلطنت سلطان سلیم بن سلیمان رسید، امر به تجدید عمارت مسجد الحرام کرد و بنای قدیم را ایشان انداختند و مسجد الحرام را گنبدی ساختند و جمع ستون‌هایی که در جانب دیوار غربی بود، همه را در دیوار مسجد نهاده‌اند و به جای آن ستون‌ها از سه جانب مسجد از ستون‌های مرمر کم کردند و به جای آن آنچه از آن سه طرف کم کرده بوده‌اند، از سنگ سرخ و زرد و ابلق تراشیده، ستون‌هایی نیل مایع به طریق مناره بر بستند که عرض آن ستون‌ها به نوعی است که دو کس می‌باید دست به دست گرفته یکی از آنها را در کنار گیرند. اکنون در چهار جانب مسجد ستون‌ها بر این نوع قرار گرفته که در میان هر شش ستون مرمر یکی از ستون‌های مذکوره نصب کرده‌اند. اما این امارت در تاریخ ۹۸۰ ه. ق سال دوم سلطنت سلطان مراد بن سلیم - شکر الله سعیهما - به اتمام رسید.

بعد از آن در تاریخ ۹۹۰ ه. ق به امر سلطان مراد، مابین باب علی علیه السلام و باب جنائز که در دیوار شرقی حرم محترم است، از جانب دیوار درون مسجد لفظ اللّٰه و اسم حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و اسم‌های خلفای راشدین بر این ترتیب، یعنی اللّٰه، محمّد، ابوبکر، عمر، عثمان و علی - رضی اللّٰه تعالی عنهم اجمعین - به قلم ثلث جلی منقش کردند و از جانب مسعی مابین اخضرین را کتبه‌ها به آیات قرآنی تحریر فرمودند و همچنین بر سر هر دری، از آیات مناسب با اسم آن باب نوشتند و بر ستون مرمر دو رنگه جانب صحن حرم، از چهار جانب، لفظ اللّٰه - تعالی - را به خط ثلث جلی کردند و به آب طلا مطلقاً گردانیدند و بر سر هر یکی از ستون‌های بزرگ [که] سابقاً مذکور شد در آن دوره مذکوره، اسم حضرت رسالت پناهی و خلفای راشدین و اصحاب اربعه - رضی اللّٰه عنهم - به ترتیب کردند و به آب طلا مطلقاً ساختند؛ بر این طریق که بر ستون بزرگ اوّل که قریب به باب علی بوده، اوّل اسم محمّد صلی الله علیه و آله را نقش کردند و در دویم ابوبکر رضی الله عنه و در سیوم عمر رضی الله عنه و در چهارم عثمان رضی الله عنه و در پنجم علی رضی الله عنه؛ به همین ترتیب در جمیع ستون‌های بزرگ در دوره اوّل نقش کردند.

اما منارها که در دور مسجد است هفت عدد است؛ چهار منار در چهار کنج حرم است و یکی در پهلوئی باب زیاده و یکی بر بالای طاق دروازه مدرسه

قاتیبای که از پادشاهان مصر بوده و آن مدرسه در دیوار شرقی حرم است متصل به باب السلام.

بدان که چون سلطنت به سلطان محمد بن سلطان مراد - شکر الله سعیهما - رسید، امر به تجدید فرش مطاف کرد و مطاف را به مقتضی «الامور مرهونه باوقاتها» و حکمت الهی در ابتدای سلطنت ایشان به سنگ مرمر مفروش گردانیدند؛ چنانچه این ابیات مشتمل بر تاریخ آن، بر آن حکمت اشارت می‌کند سبب تجدید فرش مطاف به مرمر و تاریخ آن والله أعلم.

حضرت خلاق ارضین و سماء	کرد ظاهر حکمتی در این ولا
مدتی احجار بود اندر مطاف	... است نی به پای اولیا
مرمر روشن ضمیر بی نظیر	آرزوی کعبه بودش عمرها
داشت در خاطر که آید در مطاف	فرش این درگاه باشد سالها
از قضا مأمور گشت آن محترم	لطف ربّانی شد او را رهنما
شد ز شوق کعبه عرض مطاف	آخر الامر از مقرّ خود جدا
آمد و افتاد از روی نیاز	بر در اصحاب ارباب صفا
تا شود صاف از کدورات جهان	بعد از آن گیرد به قرب کعبه جا
چون مرید صادق الاخلاص بود	یافت مطلوبش به طبق مدّعا
در مطاف ار سر قدم کرد رسید	دید خود را خاک پای اصفیا
گفت با فرش قدیم ای پیر دهر	دور باشد رفت ایام شما
آن هم از راه تواضع شد کنار	با زبان حال گفتش مرحبا
نیست ما را اختیار این زمان	بلکه نبود زهره چون و چرا
قبله، مای تو از روی شرف	ای شده ما را امام و پیشوا
در میان ما و تو روز نخست	بوده این نسبت به تقدیر خدا
همچو شیریم شکر آمیخته	بعد از آن در وادی مهر و وفا
از صفای مروه شد صحن مطاف	در کمال خوبی نور ضیا
شد رخام ساده لوح نیاز	از مقام کعبه با برگ نوا
چون به کام دل رسید جا گرفت	در حریم بارگاه کبریا
گفت یارب آنکه ما را جای داد	اندر اینجا حاجتش را کن روا

ساعیان خیر را این مژده بر  
 لیس للانسان الا ما سعی  
 فرش مرمر گشت تاریخش کنون  
 چون کہ بیرون شد از آنجا کلها  
 باب در بیان فضیلت مکّه معظمه و مدینہ مشرفه منوره - حرسها اللہ تعالی عن  
 الآفات والعاهات.

بدان - وفقك الله وایانا لما یحب ویرضی - کہ ائمه دین - رضوان الله تعالی علیهم  
 اجمعین - اختلاف کرده اند در اینکه مکّه افضل است یا مدینہ؛ اما نزد حضرت امام  
 اعظم<sup>۱</sup> و حضرت امام شافعی و امام احمد حنبل - رضی الله عنہم - مکّه مشرفه افضل  
 است و امام مالک فرموده اند کہ مدینہ منوره افضل است. اما خوابگاه سرور کاینات و  
 بہتر موجودات - علیہم افضل الصلوات واکمل التحیات - افضل است بہ اتفاق ائمه  
 دین از مکّه و از مدینہ، بلکہ از عرش و این معنی را ذکر کرده است شیخ جلال الدین  
 السیوطی، در کتاب أنموذج اللیب فی بیان خصائص الحیب - صلی اللہ علیہ وعلی آلہ  
 واصحابہ اجمعین - و ایضاً کرمانی و غیر او نیز گفته اند، ولی چون این مختصر  
 تقاضای آن نمی کرد کہ ہر یک را بہ تفصیل بیان کند، بنابراین بر اختصار کوشید. واللہ  
 أعلم تم بالخیر فی بلده...<sup>۲</sup>

۱. ابو حنیفہ.

۲. در نسخہ مخدوش شدہ است.